

انديشهٔ قانون
در ادبيات دورهٔ مشروطه

دکتر عباس ایمانی



انتشارات نامه هستی

سرشناسه: مانی عباس، ۱۳۴۹-
 عنوان و نام پدیدآور: اندیشه قانون در ادبیات دوره مشروطه/ عباس ایمانی.
 مشخصات نشر: تهران: نشر نی، ۱۳۹۳.
 مشخصات ظاهری: ۳۰۲ ص
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۸۶-۱۵-۹
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیفا
 موضوع: ادبیات فارسی - قرن ۳ ق. - تاریخ و نقد
 موضوع: حقوق در ادبیات
 موضوع: ایران - تاریخ - انقلاب مشروطه - ۱۳۰۴-۱۳۱۱ ق. -
 تأثیر بر ادبیات
 رده‌بندی کنگره: PIR ۳۵۲۰/الف۹
 رده‌بندی دیویی: ۸۱۰/۹۰۶
 شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۴۱۱۴۲



مشارکت نامه

خیابان جلال آل احمد، پلاک ۸۷، واحد ۶

تلفن: ۱۲۴۰۰۸۰

اندیشه قانون در ادبیات دوره مشروطیت

مؤلف	: عباس ایمانی
چاپ	: اول، پاییز ۱۳۹۴
شمارگان	: ۱۰۰۰ نسخه
حروفنگار:	بهاره یحیایی
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۸۶-۱۵-۹
قیمت	: ۱۷۰۰۰ تومان

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً، به هر صورت بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۱	پیشگفتار
۱۷	مقدمه
۱۷	۱- بیان مسئله
۲۰	۲- ضرورت تحقیق
۲۴	۳- سؤالات تحقیق
۲۴	۴- فرضیه‌های تحقیق
۲۶	۵- تعریف واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی
۳۵	۶- روش تحقیق
۳۷	۷- سازماندهی تحقیق
۳۹	فصل نخست - پیشینه تاریخی و آغاز شناخت قانون
۳۹	۱-۱ تبارشناسی "قانون" در ادبیات پیش از مشروطه
۴۱	۱-۱-۱ قانون به مثابه فرمان شاه
۵۰	۱-۱-۲ اندرزنامه‌های سیاسی در نقش قانون
۵۵	۲-۱ سفرنامه‌ها: آغاز شناخت «قانون»

۵۵	۱-۲-۱ درآمد
۶۱	۳-۲-۱ مسیر طالبی
۶۲	۴-۲-۱ حیرت نامه
۶۳	۵-۲-۱ مرآت الاحوال جهان نما
۶۴	۶-۲-۱ ولایت آزادی
۶۶	۷-۲-۱ سفرنامه رضاقلی میرزا به انگلستان
۶۷	۸-۲-۱ سفرنامه آخوندباشی
۶۷	۹-۲-۱ سفرنامه حاج سیاح
۶۸	۱۰-۲-۱ سفرنامه عبدالعزیز شاه به فرنگ
۶۹	۱۱-۲-۱ سفرنامه میرزا ابراهیم صحاف باشی
۷۱	فصل دوم: رویکرد عرفی به قانون
۷۱	۱-۲ درآمد
۸۱	۲-۲ قانون عرفی در آثار روشنفکران مشروطه
۸۱	۱-۲-۲ قانون در آثار آخوندزاده
۸۹	۲-۲-۲ قانون در آثار طالبوف
۹۷	۳-۲-۲ قانون در آثار میرزا ملکم خان
۱۰۴	۴-۲-۲ قانون در آثار میرزا آقاخان کرمانی
۱۰۸	۵-۲-۲ قانون در سیاحت نامه ابراهیم بیگ
۱۱۶	۳-۲ قانون عرفی در رسایل و مکتوبات مشروطیت
۱۱۶	۱-۳-۲ رساله یک کلمه
۱۲۳	۲-۳-۲ رساله منهاج العلی
۱۲۶	۳-۳-۲ رساله مجدیه
۱۳۰	۴-۳-۲ رساله شیخ و شوخ

- ۱۳۱ ۵-۳-۲ رساله در اصلاح امور
- ۱۳۳ ۶-۳-۲ رساله «شرح عیوب و علاج نواقص مملکتی ایران»
- ۱۳۴ ۷-۳-۲ «گفتگوی یک میرزای با علم با یک عوام مستحضر»
- ۱۳۵ ۸-۳-۲ «مقاله سؤال و جواب در فواید مجلس»
- ۱۳۶ ۹-۳-۲ رساله «مجلس شورای آسمانی»
- ۱۳۷ ۱۰-۳-۲ رساله «مکتوب از شیراز»
- ۱۳۷ ۱۱-۳-۲ رساله «حقوق اساسی یعنی آداب مشروطیت ذول»
- ۱۴۰ ۱۲-۳-۲ رساله «الثنائی المربوطه فی وجوب المشروطه»
- ۱۴۰ ۱۳-۳-۲ رساله «لا اذن»
- ۱۴۲ ۱۴-۳-۲ رساله «رمغان یمنی»
- ۱۴۳ ۴-۲ جمع بندی
- ۱۵۱ فصل سوم: رویکرد شرعی به قانون
- ۱۵۱ ۱-۳ درآمد
- ۱۵۹ ۲-۳ قانون به مثابه شرع
- ۱۶۰ ۱-۲-۳ توضیح
- ۱۷۲ ۲-۲-۳ رساله «سیاست ملان»
- ۱۷۲ ۳-۲-۳ رساله «کشف المراد»
- ۱۷۳ ۴-۲-۳ لایحه شیخ علی لاهیجی
- ۱۷۳ ۵-۲-۳ رسایل شیخ فضل الله نوری
- ۱۷۶ ۷-۲-۳ رساله «تقدس سلطنت و معایب مشروطیت»
- ۱۷۷ ۸-۲-۳ رسایل شیخ ابوالحسن نجفی مرندی
- ۱۷۸ ۹-۲-۳ رساله «آگاهی، مشروطیت سلطنت ایران در عهد باستان»
- ۱۷۹ ۱۰-۲-۳ رساله «قانون مشروطه مشروعه»

- ۱۸۰ ۱۱-۲-۳ رساله «انصافیه»
- ۱۸۱ ۱۲-۲-۳ از مکتوبات میرزا اسدالله چارسوقی (ملقب به وکیل الرعایا)
- ۱۸۱ ۳-۳ قانون در کنار شرع
- ۱۸۴ ۲-۳-۳ رساله «بستان الحق»
- ۱۸۶ ۳-۳-۳ «ندای اسلام در اثبات مشروطیت سلطنت به قانون شریعت»
- ۱۸۷ ۴-۱-۳ رساله «روای عجیب و مشاهد غریبه»
- ۱۸۹ ۵-۳-۳ رساله «ان معنی سلطنت مشروطه و فوایدها»
- ۱۹۱ ۶-۳-۳ رساله «سئال‌هایی دایر به مشروطیت»
- ۱۹۲ ۷-۳-۳ رساله «انوار خراسانی»
- ۱۹۵ ۸-۳-۳ «مکالمات مقیم و مسافر»
- ۱۹۶ ۹-۳-۳ رساله «تنبيه الاله و تنبيه المله»
- ۱۹۹ ۱۰-۳-۳ کلمه جامعه شمس کاشانی
- ۲۰۰ ۱۱-۳-۳ رساله «توضیح مرام»
- ۲۰۱ ۱۲-۳-۳ از مکتوبات میرزا زین‌العابدین - ریم شیرازی
- ۲۰۱ ۱۳-۳-۳ نامه از نجف
- ۲۰۲ ۱۴-۳-۳ از مکتوبات ادیب‌الممالک فراهانی
- ۲۰۲ ۴-۳ جمع‌بندی
- ۲۱۱ فصل چهارم - کارکردهای قانون
- ۲۱۲ ۱-۴ قانون در برابر استبداد
- ۲۱۲ ۱-۱-۴ درآمد
- ۲۲۲ ۲-۱-۴ سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ
- ۲۲۳ ۳-۱-۴ «موازنه داد با استبداد»
- ۲۲۴ ۴-۱-۴ رساله «حق دفع شر و قیام بر ضد ظلم»

- ۲۲۵ ۵-۱-۴ رساله «کلمه حق یراد بها الباطل»
- ۲۲۶ ۶-۱-۴ رساله «ارمغان»
- ۲۲۷ ۷-۱-۴ «ضرورت علاج عاجل امراض مهلكه»
- ۲۲۷ ۸-۱-۴ «الثالی المربوطه فی وجوب المشروطه»
- ۲۲۸ ۹-۱-۴ «مکالمات مقیم و مسافر»
- ۲۲۹ ۱۰-۱-۴ رساله «لالان»
- ۲۳۰ ۱۱-۱-۴ «نمته جامعه شمس کاشمیری»
- ۲۳۰ ۱۱-۱-۴ رساله «توضیح مرام»
- ۲۳۱ ۱۲-۱-۴ رساله «دعای یو دیم به چه جا رسیدیم»
- ۲۳۲ ۱۴-۱-۴ طبیب دستار
- ۲۳۳ ۱۵-۱-۴ از مکتوبات سید محمد طباطبایی
- ۲۳۴ ۱۶-۱-۴ از مکتوبات سید ضیاء الدین طباطبایی
- ۲۳۴ ۱۷-۱-۴ «تبیین مشروطیت و توضیح آن براساس اد»
- ۲۳۵ ۱۸-۱-۴ از مکتوبات علی اکبر دهخدا
- ۲۳۹ ۱۹-۱-۴ از اشعار ملک الشعراء بهار
- ۲۴۱ ۲۰-۱-۴ از مکتوبات سید حسن تقی زاده
- ۲۴۳ ۲۱-۱-۴ از اشعار فرخی یزدی
- ۲۴۴ ۲۲-۱-۴ از اشعار نسیم شمال (سید اشرف الدین گیلانی)
- ۲۴۷ ۲۳-۱-۴ «مکالمه سیاح ایرانی با شخص هندی»
- ۲۴۹ ۲-۴- «قانون» و «آزادی»
- ۲۴۹ ۱-۲-۴ درآمد
- ۲۵۳ ۲-۲-۴ رساله «سئوال و جواب در فواید مجلس»
- ۲۵۳ ۳-۲-۴ رساله «مکتوب از شیراز»

- ۲۵۳ ۴-۲-۴ رساله «الثنائي المربوطه في وجوب المشروطه»
- ۲۵۴ ۵-۲-۴ رساله انصافيه
- ۲۵۶ ۶-۲-۴ از اشعار ملك الشعراى بهار
- ۲۵۷ ۷-۲-۴ از مکتوبات على اكبر دهخدا
- ۲۵۸ ۸-۲-۴ از اشعار فرخى يزدى
- ۲۶۰ ۹-۲-۴ از مکتوبات افصح المتكلمين
- ۲۶۱ ۳-۲-۴ جمع ندى
- ۲۶۵ نتيجه گيرى
- ۲۷۹ فهرست منابع
- ۲۷۹ الف - منابع فارسى
- ۳۰۲ ب - منابع انگليسى

چون گذشته دیگر بر آینده نور نمی افکند،
فکر انسان در تاریکی سرگردان است.
آلکسی دو توکویل^۱

جنبش مشروطه که به انقلاب مشروطه در ۱۳۲۴ ق. و سپس تشکیل مجلس و تدوین قانون اساسی منجر شد، نقطه سرزیمت و سرفصل تاریخ حقوق جدید در ایران است. سرشت و سرنوشت "قانون" در ریات این دوره ورق و رقم خورد و القای درس حکومت مبتنی بر قانون و نه استیادای حقوقی و سیاسی مدرن، در آن دوره وارد مشق ایرانیان شد. این مشق در نیم قرن حدود یکصد سال با فراز و فرود بسیار در اندیشه‌ورزی گروه‌های فکری مختلف، و حتی تا حدودی در اعمال برخی دست‌اندرکاران حکومتی (نظیر

۱. نقل از: (آرنت، ۱۳۸۸، ۱۷).

سپهسالار^۱ و امیرکبیر^۲ وجود و ادامه داشت تا این که در انقلاب مشروطه، به شکلی خاص و متفاوت از آنچه در ابتدای ورود این مفهوم به ادب و فرهنگ ایران مورد نظر بوده،^۳ به ثمر نشست. این انقلاب عملاً آغازگر فرایند تحولات و تغییرات ساختاری و سازمانی در حکومت ایران بود، و از آنجا بود که مفاهیم حقوقی و سیاسی نو رسماً به نظام سیاسی ایران راه یافت. در این فرایند طولانی و پویا و پیچیده و رازآلود، و اغلب سخت و دردناک و بعضاً خون‌آلود،^۴ نظام حقوقی - سیاسی ایران در گذاری سخت و پُرخطر از فلام "سنتی" که قانون در آن عمدتاً بر اساس رسم و سنت و مذهب و انبلاقی جامعه ریشه دوانده و جایگیر شده، به نظام "مدرن" که قانون در آن اساساً زیربنای دولت، یکنواخت و مدوّن شده است، تبدیل می‌یابد. هر چند که این گذار چالش‌ها و موانع بسیار داشت و پس از آن نیز

۱. «روح عصر سپهسالار حکومت قانون است: نظم قانونی برقرار گردد، حقوق اجتماعی مردم شناخته شوند، حد قدرت دولت تعیین باشد و اداره مملکت بر اصول استواری نهاده شود. تاریخ قانونگزاری جدید ایران با وررت: عدلیه سپهسالار آغاز گردید، و دستگاه عدلیه جدید به کوشش او و میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله تأسیس یافت. قوانین نو وضع شدند، دستگاه قضاوت استقلال نسبی پیدا کرد، و قانون اساسی نوشته شد...» (آدمیت ۱۳۸۵، ۳-۱۷۲).

۲. «امیر گفته بود، مجالم ندادند و الا خیال کنسلیطوسیون داشم» و این خال را «هشیارانه در فلسفه دولت منتظم جستجو می‌کرد یعنی حکومت بر پایه اصول... جواهر نظم میرزا تقی‌خانی قانون و عدالت بود. در دستورهای امیر به حکام بارها خواستیم که: متهای اهتمام را در اجرای حقوق ثابته... و آسودگی مردم خواهید نمود» (آدمیت ۱۳۸۹، ۶-۲۲۳).

۳. توصیف و تبیین این تفاوت و خاص‌بودگی از اهداف مهم این تحقیق است.

۴. چهل تن، اندر این هنگامه مُردند. برای حفظ قانون جان سپردند (میرزاده عشقی).

۵. «الابد و لاعلاج دولت ایران در سخت‌ترین روزگار در عداد دول کنسیطوسیون برمی‌آید» (از نامه مستشارالدوله به مظفرالدین میرزای ولیعهد در سال ۱۳۰۶ ق. - نقل از: کرمانی ۱۳۶۱، ۱۷۴: ۱).

همچنان با سنت و اقتدارگرایی حاکمان دست و پنجه نرم کرده و حاکمیت قانون را آن طور که انتظار می‌رفت برقرار نساخته است، لیکن وجود قانون به هر شکل و کیفیتی که تاکنون بوده، به طور اجتناب‌ناپذیری برخی محدودیت‌ها را بر اقتدارگرایان تحمیل کرده است.

در این تحقیق تلاش می‌کنیم که بر سیر اندیشه قانون در این فرایند که در ادبیات دوره مشروطه بازتاب یافته پرتوی بیفکنیم تا بفهمیم قانون چگونه و با چه دینایی به ایران ورود یافته، از چه دیدگاه‌هایی دیده و سنجیده شده، و چگونه با اقتدار دینی و حکومتی به تناسب و سازگاری رسیده، و کارکرد مورد انتظار از آن چه بوده، و با چه ویژگی و کیفیتی در ایران استقرار یافته است.^۱

در این تحقیق می‌خواهیم از راه بازخوانی متون ادبی - انتقادی دوره مشروطه با تاریخ اندیشه قانون در ایران کلنجار برویم. البته در نگاهمان به موضوع، در پی اثبات یا نعی دیدگاه‌های مختلف فکری و تاریخی درباره قانون نبوده‌ایم و به نقالی تاریخ نرنشسته‌ایم، بلکه با نگاهی فعال به تاریخ به نوعی در میزگردی با ادبا و نویسندگان دوره مشروطه نشسته‌ایم و بیشتر در تلاش شناخت هستیم تا در پی تفسیر و پذیرش. نگاهی دوباره به تاریخ معاصر این بار از منظر یک حقوقدان، در جست‌وجوی راز و معنای قانون، همو که حلقه مفقوده تاریخ معاصر ماست. با بال‌های ابیات به گذشته سفر کردن، با این فرض که به قول فاکنر: «گذشته هرگز نمرده است». گذشته حتی

۱. مگر نه این است که «فهم هر چیزی، و نه صرفاً توصیف یا تجزیه و تحلیل آن به اجزای سازنده‌اش، به معنای فهم آن است که آن چیز چگونه به وجود آمده است - یعنی تکوین و رشد آن - و ماهیت آن عبارت است از چگونگی هست شدن آن؛ مختصر آن که فهم راستین همیشه فهمی تکوینی و، در مورد آدمیان و کارهای آنان، همیشه فهم تاریخی است، نه خارج از زمان و فهم تحلیلی.» (برلین ۱۳۹۲، ۹۲).

هنوز نگذشته است»؛ و به گفته آرنست: «این گذشته، که در تمام مسیر پیشین تا منشاء امتداد می‌یابد، ما را به عقب نمی‌کشاند، بلکه به پیش می‌راند، و برخلاف آنچه انسان انتظار دارد، این آینده است که ما را به سوی گذشته عقب می‌راند» (آرنست، ۱۳۸۸، ۲۲).

ناگفته پیداست که انجام کاری چنین پیرامانه در یک کتاب نمی‌گنجد. اما در این امکان تلاش شده کارهای پراکنده و یافته‌ها و دیدگاه‌های گونه‌گون، نحوی شایسته از هم تمیز یابند، و آنجا که لازم بوده با هم هماهنگ و همساز و بعضاً بهم درآمیزند، تا سرانجام بتوان نمودی سنجیده و پذیرفتنی از سیر اندیشه قانون در ادب پارسی دوره مشروطه به دست داد. پیش از به پایان بردن این آغاز، ذکر چند نکته درباره این تحقیق ضروری می‌نماید:

الف- تلاش بر آن بود که در بازمودن نمونه‌های ادبی و متنی که به گواه آورده می‌شود، همواره بنا بر استوار بودن آنها با "قانون" و مسائل آن باشد و مهم، بازشناسی و بازکاوی این بازتاب‌ها در پیوند منطقی و نظری و کاربردی با اندیشه قانون بوده و سعی شده از طرح بررسی دیگر اندیشه‌ها و مفاهیم مرتبط با حقوق عمومی (آزادی، نهادهای قری، میکیک قوا، ملیت، وطن، و نظایر اینها) جز در مواردی که با تحلیل ما از قانون ارتباط یافته‌اند، پرهیز گردد.

ب- هدف این تحقیق بررسی ویژگی‌های اندیشه قانون در ادبیات مشروطه است و نه بررسی حوزه تاریخ فکری آن، که همان بررسی آرا و افکار و جریان‌های فکری دوره مشروطه به‌منزله تاریخ است؛ در واقع، به ویژگی‌های این اندیشه می‌پردازیم نه به حوزه تاریخ فکری این اندیشه.^۱

۱. عموماً حوزه تاریخ فکری با تاریخ اندیشه خلط می‌شود. عدم توجه به این نکته در فهم آرا مشکلاتی ایجاد می‌کند. حوزه تاریخ فکری به آرا و افکار و جریان‌های فکری به‌منزله

ج- برای آزمودن فرضیه‌ها و تصورات خود از سئوالات و مسائل تحقیق و برای تعیین صحت و سقم آنها، در جست‌وجوی شواهد، منابع ادبیات مشروطه را بسیار ورق زدیم؛ گرچه به‌راستی برای بسیاری از مفاهیم حقوق عمومی شواهد فراوانی در کتاب پُربزرگ تاریخ و ادبیات مشروطه ایران وجود دارد، لیکن فقط به نکته‌ها و قطعه‌هایی در ادبیات مشروطه جلب می‌شدیم که به موضوع و پرسش‌ها و فرضیه‌های تحقیق ارتباط می‌یافت؛ با این حال، اطلاعات به دست آمده از ادبیات مشروطه در خصوص موضوع تاریخی، زبانی، غربال شده، و آنچه در این کتاب عرضه شده هر چند ناچیز نیست ولی به‌ناچار بخشی از این شواهد را در بر می‌گیرد. ضمن آنکه در ارائه این شواهد، فقط به نقل قول یا استدلال نویسندگان دربارهٔ قانون اکتفا نکرده‌ایم بلکه تا آنجا که ما دور بوده در حدّ و حوصلهٔ کار، آنها را به دور از حاشیه‌پردازی و پُرگویی به انضمام ارزیابی هم کرده‌ایم.

د- مطالعهٔ انجام شده در این کتاب بیشتر در قالب درس حقوق (به‌ویژه حقوق عمومی) است و به‌ندرت در مقالات و مجموعه‌شناختی و تاریخی و فلسفی، یا به‌خواسته یا به‌ناچار برای تکمیل مطلب، ورود کرده‌ایم. اما در باب مقولات سیاسی تذکر این نکته لازم است که در دورهٔ مشروطه بین سیاست و حقوق تمایز و مرز مشخصی وجود نداشته و بیشتر اندیشه‌هایی که در آن زمان به نام سیاست (پلیتیک) دنبال می‌شده در واقع اندیشه‌های

تاریخ می‌پردازد (مثلاً ویژگی‌های فکری سال‌های پیش از انقلاب مشروطه). اما تاریخ اندیشه به "اندیشه" در تاریخ (به تعبیری عالم اندیشه) می‌پردازد، مانند ویژگی‌های تفکر سیاسی آخوندزاده. برای درک بیشتر موضوع رک. گفت‌وگو با عباس منوچهری در: نقد ساختار اندیشه، «بنیان‌های اندیشه میشل فوکو» (۱۳۸۸)، تهران: آشیان.

حقوقی (به ویژه حقوق عمومی) هستند؛^۱ با این ترتیب، به رغم آن که سال‌های زیادی از تبدیل نام و اندیشه «حقوق سیاسی» به حقوق عمومی، و تفکیک حقوق عمومی از سیاست می‌گذرد، همچنان در مطالعات ادبی و سیاسی سال‌های اخیر بسیاری از اندیشه‌های منعکس در ادبیات مشروطه، از جمله «اندیشه قانون»، در زمره اندیشه سیاسی تلقی شده و زیر عنوان «ادبیات سیاسی» و «سیاست در ادبیات مشروطه» دنبال می‌شوند. به هر تدبیر، در این تحقیق از نگاه جوینده یک حقوق‌دان در ادبیات فارسی مشروطه و روبرو شدن کنکاش کرده‌ایم، یعنی این کار، پژوهشی است حقوقی و نه سیاسی یا ادبی. تجربه به کار محققان سیاست و ادبیات هم می‌آید. بدین سان، این تحقیق، به عنوان تلاشی در بازیافت و بازشناخت قانون در ادب پارسی، از دیدگاه و رفاقت تاریخ و سرگذشت قانون در ایران، بیشتر به حقوق‌دانان پیشکش داده می‌شود تا پژوهشگران سیاسی و ادب‌دانان فارسی؛ باشد که با پیگیری و پی‌جویی بیشتر، روزگاری بتوان به پیکره و نموداری سنجیده و فراگیر از مطالعات اندیشه‌ها و تفاهیم حقوقی در ادبیات فارسی راه بُرد و دست یافت.

در پایان، از پیشنهادها و نکته‌سنجی‌های شایسته و مشفقانه استادان فرهیخته و گرانمایه آقایان دکتر حسن جعفری، دکتر سید محمد هاشمی و دکتر محمد راسخ در تدوین و تکمیل این اثر بسیار سپاسگزارم و برایشان سلامتی و شادکامی و بهروزی آرزو می‌کنم.

۱. به حادی که گفته شده: «علم سیاست در ذیل و در صورت حقوق عمومی، که مهم‌ترین بخش آن حقوق اساسی بود، وارد ایران شد.» (طباطبایی ۱۳۹۲، ب، ۶۴).

مقدمه

۱- بیان مسئله

"قانون" از همان ابتدای ورود به واژگان ادبی - حقوقی ایران هیچگاه مرز معنایی کاملاً قاطع نداشته است، چون سیر اندیشه قانون در ادبیات فارسی، گذارها و درهم آمیختگی‌های را بازتاب می‌دهد که در سرشت زیست جهان تاریخی ما هستند. معنای قانون در تاریخ ادبیات حقوقی و سیاسی ایران، به جهت خاصیت چندفرهنگی ریشه دال بر اصاع سیاسی - اجتماعی و سرگذشت منحصر به فرد، دارای اسام سرشتی، سیال، دشواریاب، و آسان‌گیر است.

ایران با ورود مدرنیته و در مواجهه با مظاهر و مفاهیم جدید، در ابعاد مختلف حقوقی و سیاسی و اجتماعی دچار بحران ساختاری شد. در خلال این بحران، ایران فلاکت زده و استبدادزده آن زمان با طرز شکست و تفکر و نظم اجتماعی اروپایی و شیوه‌های نوین زندگی مردم غرب آشنا شد. آن آشنا شده و نرم نرمک پل ارتباطی مدرنیته و سنت متصلب ایرانی شکل گرفت. اما این پل ارتباطی چه بود که در کمتر از یک سده جامعه ایرانی را از درون و بیرون به طور گسترده و عمیق زیر و رو کرد؟ بی تردید، آثار ادبی و مکتوبات دوره مشروطه. در همین اثنا، ادبیات حماسی و عرفانی که با سنت‌های باستانی، مانوی، و اسلامی- ایرانی در هم تنیده بود، تبدیل شد به

ابزاری منحصر به فرد در سیر تحولات و گذار جامعه ایرانی به دنیای جدید. اگر قبل از آن «حدیث مطرب و می» بود و حکمت جهان معمایی ناگشودنی، مدرنیته قواعد بازی را از بن به هم ریخت و دوان دوان در پی کشف راز جهان، چه در ساحت معرفت کلی و چه در جزئیات فکری و تجربی از راه نوشته‌های ادبی (که آغاز آن سفرنامه‌نویسی بود) به درون جامعه و فرهنگ ایرانی نفوذ کرد. اندیشه و مفهوم قانون که یکی از مهم‌ترین اونده‌های مدرنیته در ایران اوایل سده نوزده میلادی بود نیز از روی همین پل به عرصه جدالات فکری ایران جدید ورود یافت. از آن زمان تا زمانی که چالش مشروطیت در ایران ادامه داشت، هنر و ادبیات، پیش‌تاز و جلودار مباحث نظری، تاریخی و مشروطه بوده است. در این مرحله، آثار ادبی و هنری به دنبال تکان‌های سیاسی، فکری در مردم جهل‌مند و خواننده نکبت‌گرفته در داهیة فقر و استبداد ان دوره است. باری، دیگر وقت خلوت‌نشینی و "تفنن ادبی" گذشته بود، وقت آن رسیده بود که از ادبیات، فراتر از درس اخلاقی زندگی شخصی، درس زندگی در سپهر عمومی آموخته شود.^۱ ادبیات این دوره هم عرصه پیکار بی‌پایان "قدیم" با "جدید" است و هم جولانگاه تنازع اندیشه‌ها و کشمکش نیروها؛ و چنین اندیشه‌ها و مفاهیم حقوقی، به‌خصوص اندیشه قانون، از این کارزار بیرون نیستند، و قلمرو حقوق (به‌ویژه حقوق عمومی)، قلمروی است "عملی" و در همین حال به حدّ اعلیٰ به هم پیوستگی مفهومی دارد و مفاهیم و اندیشه‌های حقوقی، خواسته یا ناخواسته، عرصه محک و آزمایش نظریه‌های فلسفی و جامعه‌شناختی و برخی رشته‌های دیگر (به‌ویژه ادبیات و اندیشه‌های ادبی -

۱. به قول سعدی:

چو خلوت‌نشین کوس دولت شنید دگر ذوق در گنج خلوت ندید

انتقادی) قرار گرفته است و در ایران اندیشه‌های معتابه دربارهٔ قانون را فقط می‌توان در ادبیات فارسی دورهٔ مشروطه سراغ گرفت، از این رو، برای تحقیق در پدیدار "قانون" (که اصلی‌ترین اندیشه و مفهوم حقوقی است) و شناخت نگرش‌های گوناگون نسبت به قانون و قدرت سیاسی در ایران، جز کنکاش در ادبیات دورهٔ مشروطه راه دیگری پیش روی محقق ایرانی نیست. بدین منظور، تحقیق و تأمل در این زمینه لازم می‌نماید که اولاً: با عنایت به اوضاع سیاسی - اجتماعی ایران در اوایل دورهٔ قاجاریه، نحوهٔ ورود اندیشهٔ قانون به ایران و واکنش‌های نظری و عملی به این اندیشهٔ نامأنوس با گفتمان سنتی رایج در آن زمان چه بوده و چگونه ادامه یافته و به کجا رسیده است. بدیهی است در این مسیر، عظیم‌گاه مهم‌ترین آورده و اندیشهٔ حقوقی در ایران مشخص شده است. مرکز اشت پرفراز و نشیب آن تا پایان دورهٔ قاجاریه شناخته می‌شود. ثانیاً: نقش و جایگاه ادبا و اندیشه‌های ادبی دورهٔ مشروطه در فهم و شناخت قانون و کارکردهای آن در مطالعات حقوقی چه بوده. مطالعهٔ این موضوع، ضمن تسلط بر دیدگاه‌های تاریخی و فلسفی و فرهنگی و فکری ارتباط ادبیات و حقوق، در حیطهٔ نظر و اندیشه، بی‌شک خالی از لطف و مزیت نیست. در بساط اندیشه و شناخت روح و ماهیت "قانون" که از مهم‌ترین مفاهیم و موضوعات حقوقی است و بازشناسی واقعیت تاریخی و بشری آن، ادبیات به‌ویژه ادبیات فارسی دورهٔ مشروطه بسیار کارساز است. ثالثاً: اندیشه‌های قاطبهٔ نویسندگان و شعرا و ادبا در دورهٔ مشروطه عمدتاً بر این امر متمرکز بوده که با آشنا کردن مردم اذهان عمومی با مفاهیم مدرن جهان غرب در عرصهٔ حقوق و سیاست و جامعه‌سازی آنان به حقوق خود در برابر حکومت، زمینه را برای تشکیل حکومتی مشروطه که در آن قدرت پادشاه به قانون محدود می‌شود و مردم نیز با استفاده از ابزارهای دموکراتیک نقشی سازنده در سرنوشت فردی و اجتماعی

خود داشته باشند، فراهم کنند. بنابراین، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌ها و درونمایه ادبیات دوره مشروطه که نباید در مطالعات و چالش‌های حقوقی امروز ایران از آن غفلت کرد، منعکس کردن اندیشه‌های ترقی‌خواهانه حقوقی و سیاسی در باب ملیت، حاکمیت، آزادی‌ها، حقوق مردم، قانون، نبوه‌های حکومتی، و انتقادهای اجتماعی بوده است.

بر مطالب پیش‌گفته، در این تحقیق با استفاده از روش مطالعه میان‌رشته‌ای می‌پردازیم به بازشناخت و بازاندیشی در یکی از مهمترین مفاهیم و مسائل و اندیشه‌های حقوقی یعنی "اندیشه قانون" در ادبیات فارسی دوره مشروطه. و به منبع وسیع و غنی اندیشه و فرهنگ حقوقی و ایرانی است؛ به بی‌شک، شناسایی رگه‌های تاریخی اندیشه‌های مرتبط با "قانون" در جریان فرهنگ و ادب دوره مشروطه ایران، به منظور شناخت حدود و ویژگی‌های تأمل، معادلی و تأثیر متقابل حقوق و ادبیات فارسی در دوره خاص مشروطه ایرانی. در جهت بسط و توسعه و تعمیق مطالعات میان‌رشته‌ای در حقوق.

افزون بر اینها، این تحقیق در پی تبیین تحولات آرامی است که در دوره موسوم به مشروطه از راه ادبیات در فکر و ذهن ایرانی روی داده، و به این مقوله می‌پردازد که چگونه عرضه گفتمان‌های جدید در باره قانون موجب تنش بین مفاهیم قدیم و جدید آن شده و در نتیجه به طور مؤثری قانون و به طور کلی حقوق عمومی در ایران را ابتدا بنیان نهاده و در ادامه متحول و متغیر کرده و فرهنگ حقوقی خاص ایران را به وجود آورده که هم جنبه‌های سنتی - دینی را در بطن و ماهیت خود حفظ کند و هم نموده‌های مدرن آن را به نمایش بگذارد.

۲- ضرورت تحقیق

از یک طرف، با توجه به توسعه روزافزون مطالعات میان‌رشته‌ای در کشورهای

بیشرفته، و بالاخص ورود این نوع مطالعات به حیطه حقوق (مثل حقوق و سیاست؛ حقوق و پزشکی؛ حقوق و سینما؛^۱ حقوق و فرهنگ عمومی؛^۲ حقوق و ادبیات؛^۳ و...) مطالعات میان‌رشته‌ای حقوق (و به تبع آن، حقوق عمومی) در ایران به ویژه در ارتباط با تاریخ و ادب و فرهنگ ایران بسیار ضرورت یافته و توسعه آن در مطالعات حقوقی داخلی بر غنا و عمق فهم و تبیین اندیشه‌های حقوقی خواهد افزود و در نتیجه موجب ارتقای سطح مطالعات میان‌رشته‌ای در رشته حقوق و پرهیز از نگاه تک‌بعدی و جزئی در آن خواهد شد. در این راستا، شناخت یکی از مهمترین سرچشمه‌های حقوق (یعنی ادبیات) در جهت فهم بهتر اندیشه‌های حقوقی (به‌ویژه حقوق عمومی) هم مهم است و هم راهگشا؛ و به دنبال آن، تعامل حقوق با ادبیات به طور کلی هم ناگزیر است و هم اندیشه‌افزا. از طرفی دیگر، همان طور که «ادبیات» حیطه حقوقی گذشته اروپا را در اشعار هومر و هزیود جسته و یافته‌اند... و آثار هرا، نمایشنامه‌نویسان و مورخین در این زمینه باید مورد مطالعه قرار گیرند...» (کلی، ۱۳۸۲، ۳۹)، اطلاعات مربوط به تاریخ حقوق ایران را نمی‌توان در متون حقوقی‌اش جست، و در حقیقت، متنی به عنوان «حقوق» ایرانی موجود نیست؛ و «تاریخ اندیشه ایرانی به طور کلی در تاریخ ادبیات فارسی مندرج و متبلور است». ادبیات فارسی منبع

۱. به عنوان نمونه، ر.ک. اشتفان ماخورا و پیتر رابسون (۱۳۸۶)، حقوق و سینما، ترجمه عباس ایمانی، تهران: نامه هستی.

2. Freeman, M. (2005) *law and popular culture*, Oxford university press.

3. Posner, Richard A. (2009) *law and literature*, Harvard university press.

بی‌پایان اندیشه‌های فرهنگی و اجتماعی و سیاسی و عمومی است^۱ که در بستر و سیر تاریخ ایران تکوین و بالندگی یافته و در مقطعی مهم از تاریخ ایران، موسوم به دوران مشروطیت، به علت اتفاقات گسترده اجتماعی و سیاسی و حقوقی، این رشد و بالندگی به اوج خود نزدیک شده و در متون تاریخی و ادبی آن دوره به اشکال و شیوه‌های مختلف بازتاب یافته و به نقض عطف تاریخ حقوق ایران تبدیل شده و عزیمتگاه اندیشه‌های مدرن حقوق عمومی در ایران گردیده، و در همین مقطع مهم و پیشرو در تاریخ ایران است که نخستین و مهم‌ترین سند حقوقی، یعنی قانون اساسی، تنظیم و تصویب و تثبیت می‌شود.^۲ در این مسیر، یکی از مهم‌ترین مفاهیم مدرن و چالش‌برانگیز مطایح در آثار دوره مشروطه، مفهوم و نظریه "قانون" بوده است^۳ که بررسی آن در حیطه حقوق از حیث تاریخی و مفهومی و کاربردی اهمیت بسزایی دارد. درست آن است که هنوز اندیشه و معنای قانون در گستره حقوق عمومی ایران آن‌چنان‌که شایسته این مفهوم مهم و سرنوشت‌ساز است، کاویده و شناخته‌انیده شده است؛ و آثاری که به روشنی و رسایی، نشانگر ارزشهای مفهومی شناختی و حقوق‌شناختی در ادبیات حقوقی ایران بتواند بود به نگارش در نیامده است. شگفتا که دو‌یست سالی بر طرح و معرفی قانون در ایران گذشته است و هنوز به اعمال قانون و

۱. «بسیاری از نوشته‌های پراهمیت ادب فارسی، اعم از نظم و نثر، به بیان آن چه بنا بر عادت گفته‌اند، به طور اساسی، نوشته‌های سیاسی‌اند و نه نوشته‌های ادبی صرف.» (طباطبایی ۱۳۸۵، ب، ۷۸)

۲. «قانون اساسی به قول گلدستون «از تاریخ پیشرو یک ملت برآمده است» و نتیجه کوشش آگاهانه همه مردم برای بنیادگذاری یک سازمان جدید سیاسی است.» (آرنت ۱۳۸۱، ۲۰۵).

۳. کلمه واحد مضمون اصلی تمام ادبیات انقلابی عصر مشروطیت ایران: قانون. (نقل از: مقدمه باقر مؤمنی بر مسالک‌المحسنین طالبوف، ۱۳۴۷، ۲۰).

اعمال حقوقی - سیاسی کشور، در معنا و کارکرد قانون به روشنی و بسندگی و کارایی نرسیده‌ایم؛ به‌ویژه در تعامل یا تضاد قانون با مفاهیم رقیب (برگرفته از سنت و شرع) و در کارکرد اصلی قانون (بخصوص در تحدید قدرت و در حکومت قانون یا حکومت به وسیله قانون)؛ به سخنی دیگر، مفهوم و اندیشه قانون در ایران همواره نامتعیّن و نامحقق بوده است.

از این رو، نظر به این که حقوق و ادبیات پارسی در دوره مشروطه از طریق اندیشه قانون تلاقی و تعامل وثیق می‌یابند، ضرورت دارد مفهوم مذکور در این دوره تاریخی و ادبی حسّاس و سرنوشت‌ساز حقوق ایران، بازنگری و بازاندیش شود تا ضمن فهم این تعاملات و پیوندها، مبادی و مبانی حقوق درن در ایران نیز بهتر و دقیق‌تر شناخته و فهمیده شود. ضمن آن که نباید اندیشه‌های ادبی و تأثیر تفکرات و تأملات ادبی در تکوین حقوق به‌طور کلی، و به‌طور خاص،^۱ برجه به موضوع این تحقیق، اندیشه‌ها و آورده‌های ادبی دوره مشروطه و تأثیر آن بر تکوین و تشکیل اندیشه قانون، به انباری تاریخ سپرده شود، بلکه از انجایی که هنوز هم ادبیات در سطح جهان و ملل و نحل نو به نو می‌تبدل، باید در غنی شدن و کارآمدی فرآورده‌های حقوقی بالاخص فهم دقیق و عمیق^۲ اندیشه قانون^۳ در عرصه عمل و نظر از ادبیات استفاده و حتی استمداد برد.

بدین ترتیب، در این تحقیق درصدد بازایابی و بارشناخت عمیق‌ترین اندیشه حقوق (یعنی قانون) در سیر حسّاس‌ترین مقطع تاریخی ادبیات و فرهنگ ایرانی (دوره مشروطه) و بازاندیشی در آن از منظر حقوق و سیاست هستیم تا برسیم به ارتقای سطح مطالعات میان‌رشته‌ای در حقوق عمومی؛ تأکید بر جنبه‌ها و ابعاد مختلف و متنوع اندیشه‌های حقوقی از طریق تعامل آنها با

۱. «اتفاق مهم تاریخ معاصر ایران، جنبش حکومت قانون‌خواهی است. هر یکی دو دهه باید به آن تاریخ برگشت» (طباطبایی ۱۳۹۲ الف، ۴).

اندیشه‌های ادبی (که دنیایی از اندیشه‌های ژرف انسانی و اجتماعی و سیاسی و فلسفی در خود دارد)؛ شناخت مبانی فکری و تحولات تاریخی حقوق عمومی که در ادبیات مشروطه بازتاب یافته است؛ شناخت تاریخی چالش اصلی استقرار قانون در ایران (تعارض با قدرت استبدادی و سنت قدمایی) از خلال متون ادبی؛ استفاده از مطالعات ادبی در کنترل اخلاقی و فرهنگی جامعه و حاکمان؛ تشویق و تهییج اندیشمندان حقوق عمومی به ادامه مطالعات میان‌رشته‌ای حقوق عمومی با سایر رشته‌ها به‌ویژه ادبیات فارسی و در نتیجه، تعالی و توسعه اندیشه قانون و اندیشه حقوق عمومی در ایران آن گونه که در فرهنگ ادبیات ایرانی نضج و تکوین یافته و امروز در دسترس ماست.

۳- سؤالات تحقیق

الف- سؤال اصلی: نگارش تجربه‌های مختلف فکری در دوره مشروطه نسبت به اندیشه قانون، چگونه و بر چه بنایی بوده، و تا چه مرحله‌ای به تعارض یا تعامل رسیده‌اند و برآیند آن چه بوده است؟

ب- سؤالات فرعی:

۱- آیا ادبیات فارسی مشروطه در سیر تاریخی ایران و تطوّر مهم‌ترین اندیشه حقوق یعنی "اندیشه قانون" و در شناخت کارکردهای آن در ایران، نقش و تأثیری داشته است؟

۲- آیا می‌توان نشانه و ردّ اندیشه و رویکردهای مختلف بنیادین را آورده قانون در ادبیات مشروطه را در نظام حقوقی کنونی سراغ گرفت؟

۴- فرضیه‌های تحقیق

الف- در بیان فرضیه اصلی این تحقیق می‌توان گفت: از آغاز شناخت قانون در ایران و طرح و بررسی و کنکاش و تفکر در آن از سوی اندیشمندان و ادبا و علما و کوشندگان سیاسی و فعالان اجتماعی و پیگیری استقرار قانون تا صدور فرمان مشروطیت و تشکیل مجلس شورای ملی و تدوین و

تصویب قانون اساسی مشروطه، نگرش و خواسته اصلی، همانا قانون به معنای مدرن و برگرفته از اندیشه‌ها و آورده‌های عصر روشنگری در غرب بوده، اما در مسیر حدوداً یکصد ساله فهم و طرح و تدوین قانون و استقرار شکلی نهادهای مرتبط با قانون در ایران، از یک طرف نگرش‌های سنتی - شرعی، و از طرفی دیگر حکومت و سلطنت خودکامه و استبدادی و حاکمان و گروه‌های ذی‌نفوذ که سابقه دیرپاز در ایران داشتند، همچون سدّ سکندر مقابل قانون استاندند و به مقابله و مجادله با قانون‌خواهان (و گاهی سرکوب و کشتن و تفریق آنان) برخاستند و در نتیجه، «قانون»، به معنای اصلی و واقعی کلمه، که با هیئت شیر به عرصه مباحث و ادبیات سیاسی و حقوقی و اجتماعی وارد شده رد، در چرخه کشاکش‌ها و تضادها و تعارضات سنت قدمايي با اندیشه‌های نو، خواه و تحوّل طلب، به «شیر بی دم و ایشکم» تبدیل یافته و به نوعی، بومی، ایرانی شده و به جای تکامل و تثبیت و پایداری در جهت «حکومت قانون»، در اصل خود دور مانده و به جهت ضعف در مبانی و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی و فکری، در دل فرهنگ و سنت ایران غنودگی یافت و در بهترین حالت، وسیله و ابزاری شد برای حکومت کردن خودکامگان. از این رو، فرض اصلی این پژوهش این است که «قانون» به معنای اصلی که آورده مدرنیته و روشنگری در غرب بوده، در جریان کشمکش‌های فکری و عقیدتی دوره مشروطه و در مواجهه با سنت و حکومت استبدادی دیرپا در ایران و در تعامل و بده - بستان - جبر و ناگزیر با شرع و سنت، به رغم اخذ و اقتباس بخش مهمی از شکل و روش ایجاد و اجرای قانون (مشروطیت و قانون اساسی و قوای سه‌گانه و...)، به معنای خاص ایرانی تبدیل و استحاله یافت و از آن پس، تا حدود زیادی با همان شکل و محتوا در نظام حقوقی ایران جایگیر شد. بدین سان، پرسش از چگونگی سازگار ساختن دیدگاه‌های متفاوت و متباین درباره قانون هنوز هم مسئله اساسی در اندیشه سیاسی - حقوقی عصر حاضر است.

ب- در پاسخ به سؤالات فرعی تحقیق به این فرضیه‌ها رسیده‌ایم:

۱- اندیشه‌های حقوق عمومی و سیاسی در گذشته و امروز بی‌نیاز از اندیشه‌های ادبی - انتقادی نبوده و نیست، بلکه در برخی مقاطع به‌ویژه مقطع تاریخی مشروطه ایرانی، مرهون آن است. این دو، به انواع و اشکال گوناگون در متون ادبی منعکس بوده و نوع جالب و گسترده و عمیق آن در ادب - رس و به طور خاص در ادبیات دوره مشروطه وجود دارد. نضج، تأسیس، تنوین، توسعه، و فهم حقوق و استقرار قانون در ایران مدرن، مرهون تلاش ادب و اندیشمندان دوره مشروطه است.

افزون بر اینها، ادبیات می‌تواند در تحقق آمال و اهداف حقوق عمومی (بالاخص حکمت قانون و تحقق ارزشهای بنیادین و حق‌های اساسی مردم) نقش محوری و مؤثر ایفا کند و بالاخره این که، حقوق عمومی و ادبیات آرمان‌ها و اهداف و مقولات مشترک بسیاری همچون عدالت، آزادی، برابری، نظم، تحدید قدرت استبداد، کرامت انسان، خردورزی، صلح و ... دارند که فهم بهتر و دقیق‌تر اندیشه و حکمت "قانون" در ترویج و تحقق آنها بسیار مؤثر و مفید تواند بود.

۲- بخش قابل توجهی از مفاهیم و مقولات مدرن در اصول قانون اساسی فعلی ایران در امتداد اندیشه و چالش قانون - ادبیات مشروطه قرار می‌گیرند. به عنوان نمونه: اصول چهارم و یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی؛ رسالت اعتقادی و اسلامی قانون اساسی و نقش بیادین الهی در بیان قوانین (اصول اول تا سوم)؛ و ربط دادن ماهیت و فلسفه تأسیس و کارکرد مجلس قانونگذاری به این دستور قرآن کریم: «و أمرهم شوری بینهم» (اصل هفتم).

۵- تعریف واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی

الف- ادبیات: در اصل به معنای رسم و سنت و آیین بوده است و بعدها رسم نیکو از آن منظور گردیده. ادب به معنای فن و هنر نیز به کار برده شده

است. اندک اندک مفهوم فرهنگی نیز به مفهوم اجتماعی و اخلاقی ادب افزوده شد و در این مفهوم ادب بر مجموع درس‌هایی اطلاق گردید که بشر را ظریف‌تر و متمدتر کند. ادب در واقع علم دنیا بود که در مقابل علم دین (قرآن و حدیث و فقه) قرار می‌گرفت. ادبیات را معارف انسانی یا علوم انسانی نیز خوانده‌اند و یکی از مقاصد مهم آن شناخت زندگی فردی و اجتماعی است. (اسلامی ندوشن ۱۳۷۰، ۶-۲۶۵).

ادبیات، شاخه‌ای از معرفت است که در آن چندین موضوع می‌گنجد، از جمله: کتاب‌شناسی، فرهنگ ادبی، خلق آثار ادبی، نوشته‌های مثنوی و منظوم. «آن مفهوم و معیار که به سبب فقدان لفظ مناسب دیگر، از آن به لفظ «ادب» تعبیر می‌کنند عبارت است از مجموعه آثار مکتوبی که بلندترین و بهترین افکار و حلال را در عالی‌ترین و بهترین صورت‌ها تعبیر کرده باشد، و البته به اقتضای احوال و طایع اقوام و افراد و هم به سبب مقتضیات و مناسبات سیاسی و اجتماعی، فن و انواع مختلفی از این گونه آثار به وجود آمده است. بنابراین ادبیات عبارت است از تمام ذخایر و موارث ذوقی و فکری اقوام و اُمم عالم که مردم در صبح و نقل و نشر آنها اهتمام کرده‌اند و آن آثار را در واقع لایق و درخور این مایه سعی و اهتمام خویش شناخته‌اند... و البته احوال و افکار فرد و حواشی و سرگذشت‌های اقوام و جماعات هر دو، در این آثار مندرج و متجلی هستند.» (زرین کوب ۱۳۷۲، ۲۶-۲۲). یکی از توصیف‌ها و تعریف‌های ادبیات که در عرصه هدف این تحقیق است: «آیین تمام‌نمای رویدادها، آیین‌ها، رفتارها، تلاش‌ها، اندیشه‌ها و... جامعه است که زبان حال و شناسنامه یک ملت می‌باشد، و می‌توان یک جامعه را با بررسی محتوا و موضوع ادبیات آن شناخت؛ رویدادها و رفتارهای اجتماعی را دانست؛ و سیر تحولی پدیده‌های اجتماعی را ردیابی کرد.» (روح‌الامینی ۱۳۷۹، ۱۰-۹).